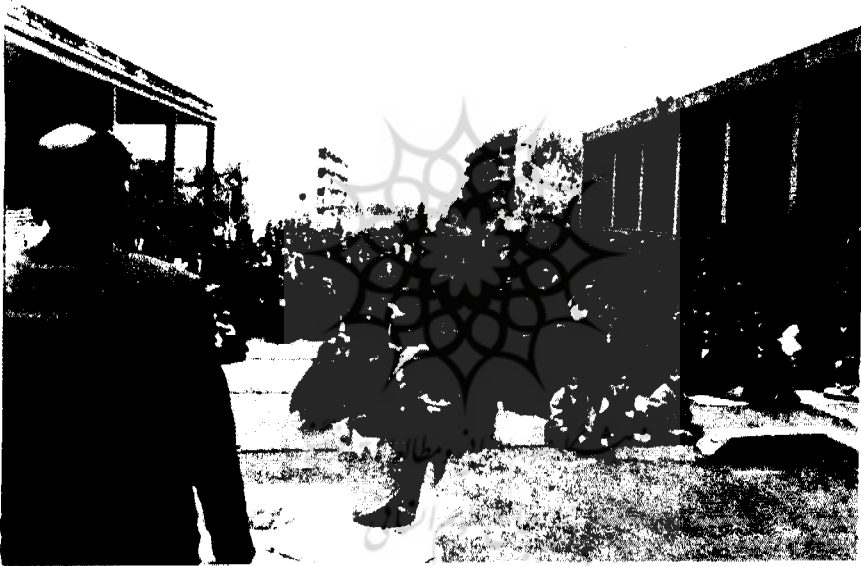


ارتباط با اولیاء و بهره‌گیری از تواناییها و

امکانات آنان « ۱ »



- ۳ - نقش مدیر در ایجاد ارتباط میان خانه و مدرسه
- ۴ - حوزه توانایی معلمان و اثر آنان
- ۵ - تواناییهای اولیاء (پدر و مادر)
- ۶ - مسائلی که بایستی میان اولیاء و مربیان (بعنوان آموزش) مبادله شود.

مدیران آموزشگاهها (دبستان ، ودیبرستان و راهنمایی) خود میدانند که روش برقراری ارتباط با اولیاء دانش آموزان چگونه است ، اما همه ساله تعدادی مدیران جوان منصوب می - شوند ، که این مقاله را بخاطر آنان در شش عنوان درج می کنیم :

۱- اهمیت ایجاد ارتباط و آثار آن

۱ - اهمیت و آثار ارتباط اولیاء

۲ - چگونگی برقراری ارتباط

مناسب است که به صورت ظاهر جلسات، از لحاظ میز و نیمکت، چراغ، تزئینات، پلاکارد عکس، گل، کتاب، حتی الامکان رسیدگی شود زیرا ظواهر مجلس و راحتی محل نشستن روی مهمان اثر دارد. از اولیاء بخوبی پذیرائی شود در این رابطه از خود دانش آموزان خواسته شود که در مسیر ورود برای تعارف بایستند و همکاری داشته باشند. از وجود مادران و پدران که خون گرم تر هستند دعوت شود تا در اداره

کند، مدرسه باید طوری رفتار کند که اولیاء جرات مراجعه داشته باشند. برای اینکار بایستی مربی صمیمانه برخورد کند، خود را صاحب اختیار مطلق نداند، هنگام مراجعه به سخن اولیاء گوش بدهد، لحن امری نداشته باشد. سزاوار است که مدرسه، ماهی یکدفعه از اولیاء دعوت کند، و مجلسی ترتیب بدهد. برای آنان سخنرانی کند. از خطرات احتمالی که سرراه تربیت نوجوانان است، اولیاء



جلسات همکاری کنند. اگر جمعیت زیاد است از بلندگو استفاده شود، تا صدا به گوش همه برسد. و قبلاً "بلندگو امتحان شود، تا وقت شروع جلسه اختلالی پیش نیاید. ابتدا تلاوت قرآن باشد، خوش آمد گفته شود، با چای و شیرینی پذیرائی شود....

اولیاء همگی احساس احترام کنند. توجه فقط معطوف به افرادی که تمکن مالی دارند نباشد. لباس کهنه ها و محرومان هم مورد احترام مشابهی باشد، و احساس احترام

را آگاه گرداند، از همکاری که کرده اند سپاسگزاری نماید، از عدم همکاری آنان کله و شکایت زیاد نکند. و در هر جلسه وعده برای دیدارهای آینده بدهد.

الف - شکل و زمان تشکیل جلسات اولیاء

جلسات را می توان به مناسبتهای مذهبی که مادر کشور داریم ترتیب داد. روزهای نولد امامان، ایام تاریخی و روز توزیع کارنامه ها مناسبت دارند.

خارج از وقت رسمی مدرسه مجلس دعا یا وعظ یاحتی مرثیه ، در محیط مدرسه دایر گردد ممانعتی با امر تربیت و تعلیم ندارد اختصاصاً" به نماز خانه مدرسه ، اگر بدانند و مشاهده کنند که هرروز در آنجا فرزندانشان با حضور مدیر و معلمان نماز جماعت برگزار می- کنند کمک می کنند ، و فرس و بلندگو می خرند و آنرا توسعه می دهند .

د - ترتیب نمایشگاه

اولیاء - علاقمند هستند که حاصل کار معلمان و محصلان کار فرزندان خود را اعم از هنری ، فنی ، صنعتی مشاهده کنند. مدرسه می تواند در طول ماهها اینچنین محصولات و تولیداتی را که حاصل ابداع ، کاردستی ، و خلاقیت محصلین است گردآوری کند و حفاظت نماید و سالی یکی دوبار به معرض دید اولیاء بگذارد .

اینکار با همکاری چند مدرسه نیز می تواند در یک محل صورت گیرد .



می کنند ، نا آنجا که جان نثار می کنند . و هویت خود را بخوبی بعد از انقلاب نشان داده اند .

مدرسه خوبست از این مسأله غافل نماند ، و دین شناسی و دین داری را در آغاز و فرجام کار خود قرار بدهد . اگر اسلام به درستی شناخته شود و دستورات پیامبر بکار گرفته شوند جامعه اسلامی از تمام ملتهائی که متسرقی می شناسیم به جلو مبادند . و این پیام خدا است . ان الدین عندالله الاسلام (آل عمران ۳) وَلَا تَهْتَفُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ . سست نشوید ، و محزون مباشید شما سرور اهل جهان هستید ، اگر ایمان داشته باشید .

(محمد ۴۷) إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ . اگر خدایا یاری کنید ، او شما را یاری می کند . ومن اصدق من الله حدیثا "

اگر اعمال مریبان در مدرسه مبنای دینی داشته باشد و اصلت هم دارا باشد ، خود بخود اولیاء به طرف مدرسه گرایش پیدا می کنند و آماده همکاری می شوند .

ملت ایران به مساجد ، حسینیه ها ، تکیه ها مدارس علمیه ، زیارتگاهها زیاد رومی برند و در آنجاها اجتماع می کنند .

ملت ایران در مجالس روضه خوانسی ، در هیئتها اجتماع می کنند . و بدون اینکه دعوتی از فرد فرد آنان بشود خودشان می روند . پس زمینهای در آنان هست که آنان را می کشاند. از این زمینه مساعد مذهبی ، به شکلهای هم می توان در مدرسه برای جلب همکاری بهره گرفت .

اگر در ساعاتی از روزهای تعطیل و یا در اوقاتی

۱۴ - محرم ۱۳۵۸ - یقه



لم یکنه کرمه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه

موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه

۱۵ - محرم ۱۳۵۸ - یقه

موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه

موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه
موریه و او را و یوسو لم یکنه



تیزهوشی و نبوغ

کودکان



تیپ آنها

تیزهوشان و نبوغ از چه نیبی هستند؟ در این زمینه بررسیهای متعددی صورت گرفته است. در جمله بررسی دانشگاه هاروارد است روی زندگی و شرایط دوهزار تن از نبوغ قرون ۴ تا ۲۵ میلادی. این بررسیها نشان داده اند اغلب اینان افرادی بوده اند:

لجبار، ساده دل، دارای حالاتی کودکانه شکاک در برابر امور، مقاوم در برابر قوانین و ضوابط، وحتى قانون شکن، برخی از آنان دارای بیماریهای جسمی، وهم دارای روش غیر عادی نسبت به جنس مخالف و بعضی از آنان عاشق پیشه و احساساتی بوده اند.

اینان دارای دوراندیشی، سرعت انتقال ابتکار، خلاقیت، تخیل قوی، قدرت تحمل و ظرفیت روانی بسیارند و رودرروئی شان در برابر مشکلات بسیار خوب است. مسائل را خوب حدس می رنند، درباره امور خوب می توانند پیش بینی کنند و بسیاری از آنان اهل



مطالعه اند و در تحصیل جلوترند.

اغلب اینان در جنبه اقتصادی از طبقات بالاتر از حد متوسطند و شاید مسأله بیدان خاطر است که عامل محیط از نظر تجارب، غذا و شرایط آن در این رابطه مؤثرند. دانشمندان حتی رابطه ای یافتند بین فقر غذایی و کم هوشی.

در رابطه با درس و مدرسه

بسیاری از اینان در امر درس افرادی بی قید و سربهوا هستند و حتی موفقیت شان در تحصیل بسیار اندک است، باینکه به کارهای خارج از مدرسه علاقه دارند. برخی از اینان مدرسه را برای خود ریدان و حتی شکنجه گاه تصور می کنند، زیرا در آنجا اقدامات مثبت و سازنده ای ندارند.

درس را جدی نمی گیرند و نمی توانند معلمان کم هوش خود را تحمل کنند، برنامه مدرسه را ضعیف و ناچیز می دانند و ممکن است بدین خاطر در کلاس در درس بیافرینند.

در مدرسه به کتابهای درسی توجهی ندارند و به آن علاقه ای نشان نمی دهند، البته اگر درس بخوانند از دیگر دانش آموزان موفق ترند و یا در انجام تکالیف از آنان جلومی زنند. بعلاوه عدم توجه به درس معلم و عدم اقتناع و میل به

ضمی اینکه نقش وراثت را در این زمینه طرد نمی کنیم و اهمیت عامل محیط را از یاد نمی بریم متذکر می شویم که هیچکدام و حتی ترکیبی از آن دو هم نمی توانند موجب نوع باشند. نیز هوشانی را می شناسیم که فرزندان سفیه و عقب مانده ذهنی از خود برجای گذاشتند و افراد عادی و متوسطی را می شناسیم که فرزندان شان جزو تیزهوشان و نواسغ بوده اند. همچنین برخی از آنها در محیط فقر رشد کرده اند و عده ای در محیط غنا و در کل از طبقات بالا زیادتر بوده اند.

بطور کلی ترکیبی از عوامل وراثت، محیط و تربیت را در این زمینه نام می بریم و عوامل ناشناخته دیگری را هم در آن دخیل می دانیم و بهتر است آن را عنایتی خاص از جانب خدا ذکر کنیم. تلاش های دانشمندان که مویحیاتی پدید آورند تا کودک سراز نوع درآورد و یا فردی نیز هوش بارآید تا حال به نتیجه قابل ذکری بینجامیده است.



تعمیر و بازسازی

در این سالها که به واسطه کمبود بودجه و عدم توجه به تعمیرات اساسی و نگهداری صحیح بناها، در بسیاری از واحدهای مسکونی و اداری، خسارتها و تخریفات زیادی مشاهده میشود. این امر علاوه بر کاهش عمر مفید بناها، منجر به افزایش هزینههای تعمیرات و بازسازی آنها میگردد. لذا با توجه به اهمیت موضوع، در این مقاله به بررسی علل و راهکارهای پیشگیری از تخریب بناها و همچنین روشهای تعمیرات اساسی پرداخته میشود.

یکی از مهمترین علل تخریب بناها، عدم نگهداری صحیح و تعمیرات به موقع است. بسیاری از مالکان بناها، به دلیل کمبود بودجه یا بیگانه بودن از فرآیند نگهداری بنا، اقدام به تعمیرات اساسی نمیکردند. این امر منجر به تجمع رطوبت، نفوذ آب و سایر عوامل مخرب میگردد. همچنین، عدم بازدید منظم از بناها و تشخیص به موقع مشکلات، منجر به گسترش خسارتهای جزئی میگردد.

عوامل دیگری که منجر به تخریب بناها میشوند، استفاده از مصالح نامرغوب و بیکیفیت، عدم رعایت اصول مهندسی و معماری در طراحی و ساخت بناها، و همچنین، تغییرات غیرمجاز در سازه بناها است. این عوامل میتوانند منجر به ایجاد مشکلات اساسی در سازه بناها و کاهش عمر مفید آنها گردند.

برای جلوگیری از تخریب بناها و افزایش عمر مفید آنها، رعایت اصول نگهداری و تعمیرات اساسی ضروری است. این امر شامل بازدید منظم از بناها، تشخیص به موقع مشکلات، استفاده از مصالح مرغوب و باکیفیت، رعایت اصول مهندسی و معماری، و همچنین، تغییرات مجاز در سازه بناها است.

تعمیرات اساسی

تعمیرات اساسی، عملیاتی است که منجر به بازسازی اساسی سازه بناها و رفع مشکلات اساسی آنها میگردد. این عملیات معمولاً شامل تعمیرات اساسی در سازه بناها، تعمیرات اساسی در سیستمهای لوله کشی و برق، تعمیرات اساسی در سیستمهای تهویه مطبوع و سایر سیستمهای مکانیکی و الکتریکی است.

تعمیرات اساسی معمولاً در موارد زیر انجام میشود:

- تخریب سازه بناها و نیاز به بازسازی اساسی آنها.
- تجمع رطوبت و نفوذ آب در سازه بناها.
- مشکلات اساسی در سیستمهای لوله کشی و برق.
- مشکلات اساسی در سیستمهای تهویه مطبوع و سایر سیستمهای مکانیکی و الکتریکی.

تعمیرات اساسی، عملیاتی است که منجر به بازسازی اساسی سازه بناها و رفع مشکلات اساسی آنها میگردد. این عملیات معمولاً شامل تعمیرات اساسی در سازه بناها، تعمیرات اساسی در سیستمهای لوله کشی و برق، تعمیرات اساسی در سیستمهای تهویه مطبوع و سایر سیستمهای مکانیکی و الکتریکی است.

تعمیرات اساسی معمولاً در موارد زیر انجام میشود:

- تخریب سازه بناها و نیاز به بازسازی اساسی آنها.
- تجمع رطوبت و نفوذ آب در سازه بناها.
- مشکلات اساسی در سیستمهای لوله کشی و برق.
- مشکلات اساسی در سیستمهای تهویه مطبوع و سایر سیستمهای مکانیکی و الکتریکی.

تعمیرات اساسی

تعمیرات اساسی، عملیاتی است که منجر به بازسازی اساسی سازه بناها و رفع مشکلات اساسی آنها میگردد. این عملیات معمولاً شامل تعمیرات اساسی در سازه بناها، تعمیرات اساسی در سیستمهای لوله کشی و برق، تعمیرات اساسی در سیستمهای تهویه مطبوع و سایر سیستمهای مکانیکی و الکتریکی است.

تعمیرات اساسی معمولاً در موارد زیر انجام میشود:

- تخریب سازه بناها و نیاز به بازسازی اساسی آنها.
- تجمع رطوبت و نفوذ آب در سازه بناها.
- مشکلات اساسی در سیستمهای لوله کشی و برق.
- مشکلات اساسی در سیستمهای تهویه مطبوع و سایر سیستمهای مکانیکی و الکتریکی.

مشکلات مدرسه عادی



برای اینان تحصیل درمدرسه عادی کاری دشوار است . اینان درمدرسه عادی و درکلاسی که بسر می برند وضعی دارند که مورد نظر و مورد علاقه شان نیست ، برای شان محیطی ملال آفرین و ناراحت کننده است و درس و مدرسه چون باری بر دوش آنهاست .

درمدرسه آنان معلمان راشدیداً "سؤال پیچ می کنند و ازاین بابت بدبینی فوق العاده ای را پدید می آورند . وگاهی خشم معلم را برمی انگیزند وپادر ذهن او سابقه بدی را پدید می آورند . بهمین خاطر بعقیده علمای تربیت آنها نیاز دارنداز مدرسه و تربیت خاصی برخوردار گردند و برنامه آموزشی شان هم جداگانه باشد .

اگر بنای مدرسه ویژه ای باشد انتخاب آن باید اندیشیده و انتخاب شاگردان آن هم باید از روی اندیشه و حساب باشد . باید دقتی صورت گیرد که درآن فردی نابجراه نیابد که درآنصورت مشکل بزرگی برای بچه ها پدیدآمده و وضع را از بد بدتر خواهد کرد . بخصوص که مشکلات تحصیلی ، اختلاف درفکر و رفتار و درک و یادگیری و مشکلات عاطفی و عدم تجانس پدید می آید .

این نکته هم قابل ذکر است که اصراری نداشته باشیم حتماً " اینان دو کلاس رادر یک سال بخوانند . گاهی می توان برنامه های جنسی برای او معین کرد تا ابعاد دیگر وجودش بارور شود و یا آنچه که می آموزد با دامنه ای وسیعتر باشد .

▲ دکتر علی قائمی

کودک از شما تقلید می کند
سعی کنید یک شخصیت قابل تقلید باشید



دوره‌های حکومتی

کتابی است که در این زمینه نوشته شده و به دسترس خوانندگان می‌رسد.

در این کتاب که به دسترس خوانندگان می‌رسد، به بررسی دوره‌های مختلف حکومتی در ایران پرداخته شده است. نویسنده در این کتاب تلاش کرده است تا به گونه‌ای جامع و مفصل، به بررسی این دوره‌ها بپردازد و به خواننده کمک کند تا با این دوره‌ها آشنا شود.

این کتاب در چندین فصل تقسیم شده است و در هر فصل، به بررسی یکی از دوره‌های حکومتی پرداخته شده است. نویسنده در این کتاب، به بررسی علل، اهداف و نتایج هر یک از این دوره‌ها پرداخته است و به خواننده کمک کرده است تا به درستی با این دوره‌ها آشنا شود.

این کتاب برای کسانی که به تاریخ و سیاست ایران علاقه دارند، یک منبع بسیار ارزشمند است. به این دلیل که نویسنده در این کتاب، به بررسی این دوره‌ها به گونه‌ای جامع و مفصل پرداخته است و به خواننده کمک کرده است تا به درستی با این دوره‌ها آشنا شود.

این کتاب به بررسی دوره‌های مختلف حکومتی در ایران پرداخته است. نویسنده در این کتاب، به بررسی علل، اهداف و نتایج هر یک از این دوره‌ها پرداخته است و به خواننده کمک کرده است تا به درستی با این دوره‌ها آشنا شود.

این کتاب برای کسانی که به تاریخ و سیاست ایران علاقه دارند، یک منبع بسیار ارزشمند است. به این دلیل که نویسنده در این کتاب، به بررسی این دوره‌ها به گونه‌ای جامع و مفصل پرداخته است و به خواننده کمک کرده است تا به درستی با این دوره‌ها آشنا شود.



آموزش اعتقادی، دینی و اخلاقی کودکان زیرشش سال

موضوع سخنرانی سیدضیاءالدین - صدری
درسازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

از دیدار شما مربیان عزیز کودک خوشحالم. چند دقیقه‌ای در خدمت شما هستم و فرار است راجع به آموزش اعتقادی و دینی و اخلاقی کودکان زیر شش سال بحثی داشته باشیم. همانطور که می‌دانید مربیان کودک نقش بسیار مهم تربیتی به عهده دارند علاوه بر آن و غیر از سمت و مسئولیت رسمی و شغلی خود، خانم هستند، یا مادر و یا بالقوه مادر، بنابراین نقش تربیت مستقیم فرزندان و عزیزانشان را امروز و در آینده برعهده دارند. از خداوند توفیق می‌خواهم که در این جلسه بتوانم مطالبی در زمینه تربیت این دوره از سن انسان با شما مربیان در میان بگذارم. انسان در هر سن و سالی و بخصوص سنین بالاتر طالب خوشبختی و سعادت است یعنی می‌خواهد خوش و بالذت زندگی کند، احساس خوشبختی بکند، دنیا و عمرش را با شادگامی بگذراند. البته مسئله خوشبختی برای خیلی‌ها مبهم است و شاید هم برای پیدا کردن این موهبت تصور کنند که راه خیلی باریک و خم و یا خدای نکرده راه غیر ممکنی در پیش دارند. کما اینکه برخی از خانمهای جوان که زندگی را آغاز می‌کنند، یک نوع احساس عدم خوشبختی

وقت صدها خواهر محترم را تلف می‌کنم؟ یا انشاء الله مطلبی را که برایمان مفید است به پادشان می‌آورم؟ پس آرامش خاطر با "الا بذكر الله تطمئن القلوب" عبارت از این است که در تمامی شئون زندگی و در هر قدم از کارمان خدا را فراموش نکنیم و سعی کنیم کار ما به رضای او انجام بگیرد. دومین راه کسب آرامش خاطر - شاید همه شما بدانید و یا خدای ناکرده شاید هیچکدام از شما یادتان نباشد - ازدواج است. طبق نص صریح قرآن، ازدواج یک عامل دقیق سعادت و آرامش خاطر انسان است. آیه ۲۱ از سوره مبارکه روم را می‌خوانم: **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ "وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا..."** ببینید خیلی صراحت دارد و نیاز به تفسیر و تعبیر و توضیح هم نیست. می‌فرماید ما از میان شما (از جنس شما) برای شما همسرانی آفریدیم برای اینکه آرامش خاطر یعنی سعادت پیدا کنید دقت فرمودید؟ بقیه آیه راهم می‌خوانم: **وَجعل بينكم مودة ورحمة ان في ذلك لايات لقوم يتفكرون.** بین زن و شوهر هم من محبت و صمیمیت و رأفت را قرار دادم. امر خداست. منتها نمودن الله خیلی از ما ممکن است بگوییم که این صمیمیت، رأفت و محبت را ما، در زندگی زناشویی احساس نمی‌کنیم، پس این کجاست. معذرت می‌خواهم علتش عدم تفکر است. خدا می‌فرماید: **إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.** این موهبتی که من دادم، این نعمت محبتی که من بخشیدم، آرامشی را که در نتیجه ازدواج به شما عطا کردم، کسانی می‌توانند استفاده کنند که اهل تفکر و اندیشه باشند یعنی بی‌کدار به آب نزنند، در زندگی ببینند که کل وجود همسر را چگونه می‌توان نگهداری کرد، حالا خانم باشد یا آقا، کل وجود فرزند را چه حوری می‌شود نگهداری کرد، رفتارها باید چگونه باشد و این راهی است که آدمی به آن سعادت موعود خدا می‌رسد. منظورم این بود که انسان خوشبختی می‌خواهد و اگر کسی با خداست خوشبخت است، خوشبخت دنیا و حتی رستگار آخرت، و آنهایی که با خدا نیستند یا دور از خدا زندگی می‌کنند در زندگی دنیائی رنج می‌برند، آزرده خاطرند، همیشه احساس اضطراب روانی می‌کنند و در آخرت هم رستگاری ندارند. این راه با خدا بودن را که همان اعتقاد ما، دین ما، اخلاق ما است، می‌شود یاد گرفت. بله، مثل همه موضوعات دیگر، هم قابل آموزش و قابل یاد گرفتن است و هم قابل یاد دادن، یعنی زندگی با خدا را به همه افرادی که بخواهند یاد بگیرند می‌شود آموزش داد. همچنین می‌توانیم به بچه‌هایی که می‌خواهیم برای زندگی فردا آماده‌شان بسازیم آموزش داد. در غیر این صورت یعنی اگر خدای نکرده با خدا نباشیم یعنی از خدایمان جدا بیفتیم... که یکبار اولین وهله جدا افتادیم:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند
از جدایی‌ها شکایت می‌کند
کز نیستان تا مرا بیرسده اند
از زلفیرم مرد وزن نالیده‌اند
روزی که این روح از خدا جدا شده و در قالب انسانها قرار گرفته مرتب ناله و زاری و آه و سوز
در زندگی دارد و اگر در طول زندگی دنیایی هم از خدایمان جدا بیفتیم یعنی از او غفلت کنیم

1940 1941 1942 1943 1944 1945 1946 1947 1948 1949 1950 1951 1952 1953 1954 1955 1956 1957 1958 1959 1960 1961 1962 1963 1964 1965 1966 1967 1968 1969 1970 1971 1972 1973 1974 1975 1976 1977 1978 1979 1980 1981 1982 1983 1984 1985 1986 1987 1988 1989 1990 1991 1992 1993 1994 1995 1996 1997 1998 1999 2000 2001 2002 2003 2004 2005 2006 2007 2008 2009 2010 2011 2012 2013 2014 2015 2016 2017 2018 2019 2020 2021 2022 2023 2024 2025



1940 1941 1942 1943 1944 1945 1946 1947 1948 1949 1950 1951 1952 1953 1954 1955 1956 1957 1958 1959 1960 1961 1962 1963 1964 1965 1966 1967 1968 1969 1970 1971 1972 1973 1974 1975 1976 1977 1978 1979 1980 1981 1982 1983 1984 1985 1986 1987 1988 1989 1990 1991 1992 1993 1994 1995 1996 1997 1998 1999 2000 2001 2002 2003 2004 2005 2006 2007 2008 2009 2010 2011 2012 2013 2014 2015 2016 2017 2018 2019 2020 2021 2022 2023 2024 2025

مرد ، مرد به طور کلی و شناخت یک زن بصورت طبیعی است که این شناخت قبل از ازدواج انجام می‌گیرد ولی در مورد همسر خاصمان حتما " شناخت دقیق بعد از ازدواج خواهد بود و من صریحا " خدمت شما عزیزان می‌گویم قبل از ازدواج ، شناخت دقیق از همسر ، یا دوتا همسر از همدیگر غیر ممکن است ، یک شناسایی هایی هست ولی شناخت دقیق با توجه به کششی که اصولا " این دو جنس نسبت به همدیگر دارند ، حقایق زیر پرده می ماند ، و می توان گفت قطعا " شناختی که مورد نظر ما است بعد از ازدواج حاصل می شود . . .

برگردیم به کودک زیر شش سال ، می‌خواهم عرض کنم وقتی این فرد مورد تربیت ماست ما او را باید بشناسیم . این چی است که سروکار داریم؟ شما می دانید مرد با زن فرق دارد پس با دختر فرق دارد ، کودک ، نوجوان ، جوان ، و ویژگیهای خاص روانی برای خودشان دارند ، پس باید برخورد ما با اینها فرق داشته باشد ، کودک ۲ ساله با چهار ساله فرق دارد دوران کودکی بقول بعضی از روانشناسان به چهار دوره تقسیم می‌شود : شیرخوارگی یعنی ۲۴ ماهه اول ، دوسالگی تا چهار سالگی ، چهار سالگی تا شش سالگی ، از شش تا دوازده سالگی که تقریبا " بچه ها در این زمان حالات مشترک دارند .

مادر و پدر و مربی به این مسئله توجه دارند که این کودک از بدو تولد تا دوازده سالگی که مرز تقریبی بین کودکی و نوجوانی است چه تغییر و تحولاتی دارد ، خواسته‌هایش ، ویژگی‌های روانی اش ، تمایلاتش ، چی است؟ دختر با پسر چه فرقهایی در این سن دارد . ؟ بیغمبر ما (ص) می‌فرماید ببینید چقدر قشنگ و ساده ، بچه‌داری؟ بچه‌باش ، شاعر مابه نظم آورده : " چونکه با کودک سروکار تفتاد بیس زبان کودکی باید گشاد " . زبان کودکی



☆ 10

1. ...
 2. ...
 3. ...
 4. ...
 5. ...
 6. ...
 7. ...
 8. ...
 9. ...
 10. ...
 11. ...
 12. ...
 13. ...
 14. ...
 15. ...
 16. ...
 17. ...
 18. ...
 19. ...
 20. ...
 21. ...
 22. ...
 23. ...
 24. ...
 25. ...
 26. ...
 27. ...
 28. ...
 29. ...
 30. ...
 31. ...
 32. ...
 33. ...
 34. ...
 35. ...
 36. ...
 37. ...
 38. ...
 39. ...
 40. ...
 41. ...
 42. ...
 43. ...
 44. ...
 45. ...
 46. ...
 47. ...
 48. ...
 49. ...
 50. ...
 51. ...
 52. ...
 53. ...
 54. ...
 55. ...
 56. ...
 57. ...
 58. ...
 59. ...
 60. ...
 61. ...
 62. ...
 63. ...
 64. ...
 65. ...
 66. ...
 67. ...
 68. ...
 69. ...
 70. ...
 71. ...
 72. ...
 73. ...
 74. ...
 75. ...
 76. ...
 77. ...
 78. ...
 79. ...
 80. ...
 81. ...
 82. ...
 83. ...
 84. ...
 85. ...
 86. ...
 87. ...
 88. ...
 89. ...
 90. ...
 91. ...
 92. ...
 93. ...
 94. ...
 95. ...
 96. ...
 97. ...
 98. ...
 99. ...
 100. ...

شمال شهر، جنوب شهر



پنج نفر از دانشجویان کارشناسی برنامه ریزی آموزشی در مورد تفاوت‌های مکانی آموزش و پرورش در شهر تهران تحقیقی انجام داده‌اند که بخش‌هایی از آنرا جهت احساس اختلاف فاحش مدارس شمال شهر و جنوب شهر بعنوان مقدمه نقل می‌کنیم :

התאחדות המורים והמורות
במחוז תל אביב

התאחדות המורים והמורות

א. נתונים כלליים
ב. נתונים לפי מחוזות
ג. נתונים לפי סוגי הוראה
ד. נתונים לפי מוסדות
ה. נתונים לפי שנות הוראה
ו. נתונים לפי מוסדות חינוך
ז. נתונים לפי מוסדות חינוך
ח. נתונים לפי מוסדות חינוך
ט. נתונים לפי מוסדות חינוך
י. נתונים לפי מוסדות חינוך

התאחדות המורים והמורות
במחוז תל אביב
נתונים כלליים
נתונים לפי מחוזות
נתונים לפי סוגי הוראה
נתונים לפי מוסדות
נתונים לפי שנות הוראה
נתונים לפי מוסדות חינוך
נתונים לפי מוסדות חינוך
נתונים לפי מוסדות חינוך
נתונים לפי מוסדות חינוך
נתונים לפי מוסדות חינוך

התאחדות המורים והמורות

התאחדות המורים והמורות
במחוז תל אביב
נתונים כלליים
נתונים לפי מחוזות
נתונים לפי סוגי הוראה
נתונים לפי מוסדות
נתונים לפי שנות הוראה
נתונים לפי מוסדות חינוך
נתונים לפי מוסדות חינוך
נתונים לפי מוסדות חינוך
נתונים לפי מוסדות חינוך
נתונים לפי מוסדות חינוך

התאחדות המורים והמורות

התאחדות המורים והמורות
במחוז תל אביב
נתונים כלליים
נתונים לפי מחוזות
נתונים לפי סוגי הוראה
נתונים לפי מוסדות
נתונים לפי שנות הוראה
נתונים לפי מוסדות חינוך
נתונים לפי מוסדות חינוך
נתונים לפי מוסדות חינוך
נתונים לפי מוסדות חינוך
נתונים לפי מוסדות חינוך

התאחדות המורים והמורות
במחוז תל אביב

گردیده در جنوب تهران کلیه مدارس یعنی ۱۰۰٪ آنها دونوبته هستند ولی در شمال تهران فقط ۲۷/۵٪ دونوبته و ۷۲/۵٪ یک نوبته بوده‌اند، یعنی در طول روز برای یکبار مدرسه مورد استفاده قرار گرفته است. دونوبته بودن مدارس هم باعث فشرده شدن برنامه‌های درسی و کاهش کارآئی معلمان و مدیران و ابزار و امکانات آموزشی مدرسه و نتیجتاً کاهش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود.

نگاهی به ارقام موجود بیانگر تفاوت زیادی در وضعیت کارگاهها، آزمایشگاهها فعالیت و وسایل آنها می‌باشد. به عبارتی مدارس شمال تهران از حیث داشتن آزمایشگاهها و کارگاهها، فعالتر و غنی‌تر از جنوب تهران بوده و طبعاً "ابزار کمک آموزشی و آزمایشگاه بر کیفیت آموزش دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آنها اثر مستقیم دارد.

معدل دانش‌آموزان

ارقام مربوطه نشان می‌دهد که فراوانی

می‌دهند سابقه خدمت معلمان در مناطق شمال و جنوب تهران متفاوت می‌باشد. در نمونه‌های مطالعه شده مشخص می‌شود که در جنوب تهران معلمان زیر ۵ سال تجربه دارای بیشترین تعداد بوده و به سمت ۲۰ سال تجربه، و بالاتر مرتباً "فراوانی آنها کاهش می‌یابد، ولی در شمال تهران معلمان زیر پنجاه سال تجربه کم بوده و هرچه به سمت ۲۰ سال تجربه و بالاتر می‌رویم فراوانی آنها افزایش یافته تا اینکه معلمان بیش از ۲۰ سال تجربه بیشترین گروه می‌باشند.

ارقام مزبور بیانگر تفاوت فراوان و حتی معکوس بودن جهت این امر بین شمال و جنوب تهران بوده که اثرات آن بر آموزش و توان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ظاهر می‌گردد.

تعداد نوبتهای آموزشی روزانه مدارس

از مدارسی که در هر یک از مناطق شمالی و جنوبی مورد مطالعه قرار گرفته اند مشخص



در بهبود کیفیت مدرسه مؤثر واقع شوند محروم گردد.

برعکس وقتی مدرسه بجای ازدیاد مشکلات موفقیت بیافریند، به آبرو و اعتبار محله افزوده و به جذب افراد فعال و پراکنیزه به منطقه کمک خواهد کرد.

مدرسه باید برای افراد محله و اولیایی که برای فرزندان خود آینده موفقیت آمیزی را آرزو می کنند مایه امید باشد. مدرسه مهمترین وسیله ارتقاء اجتماعی و بهبود شرایط زندگی در درمحللات پرجمعیت شهر است بشرط اینکه بانیاذهای ساکنان محله سازگار باشد.

تحقیقات متعدد متخصصین آموزش و پرورش نشان دهنده این نکته است که کودکان مناطق محروم با هوش مساوی، غالباً "بخاطر فقر فرهنگی محیط خانواده نمی توانند به موفقیت تحصیلی برسند. بنابراین یکی از مسئولیتهای عظیم مدارس در مناطق محروم جبران فقر فرهنگی محیط زندگی دانش آموزان است.

تشریح مساعی مدرسه و ساکنین محل

در دهه اخیر در بسیاری از کشورهای اروپائی منجمله در فرانسه و بلژیک جنبشهایی به منظور برقراری تساوی اجتماعی و تغییر روابط اجتماعی حاکم بوجود آمده که در نتیجه آن وزارت آموزش و پرورش کشورهای فوق بودجه کافی، ابزار فراوان و نیروهای متخصصی را در اختیار مدارس محللات پرجمعیت شهر جایی که اکثر کودکان دچار شکست تحصیلی می کردند و غیبت، ترک تحصیل و تخلفات انضباطی در آنها فراوان است قرار داده است تا کیفیت آموزش و پرورش در آن نواحی بهبود یابد. قرار



دادن این امکانات معمولاً "در صورتی میسر است که گروههای داوطلب مشکل از افراد محصل و معلمان مدرسه دور هم جمع شده و با تهیه یک پروژه تربیتی و آموزشی که در برگیرنده فعالیتهای فرهنگی غنی برای کودکان و ساکنین محله باشد علاقه خود را در مورد پیشرفت وضع محله نشان دهند، این افراد داوطلب که تنها هدفشان ارتقاء سطح فرهنگی و تربیتی محله است معمولاً دارای توانائیها و تخصصهای مختلفی می باشند و هر کدام به سهم خود، با توجه به وقت آزادی که دارند و نیز مطابق با طرحی که تهیه می نمایند در بهبود وضع مدرسه محله و ساکنین آن می کوشند. طرح آموزشی و تربیتی تهیه شده توسط این افراد در وزارت آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفته و پس از



فرجی

• حرکت کرد جوین درین ایام

مورثی و مورثی است که در وقت تولد و در وقت وفات یکدیگر را مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

مورثی و مورثی است که در وقت تولد و در وقت وفات یکدیگر را مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

مورثی و مورثی است که در وقت تولد و در وقت وفات یکدیگر را مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

مورثی و مورثی است که در وقت تولد و در وقت وفات یکدیگر را مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

مورثی و مورثی است که در وقت تولد و در وقت وفات یکدیگر را مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

مورثی و مورثی است که در وقت تولد و در وقت وفات یکدیگر را مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

مورثی و مورثی است که در وقت تولد و در وقت وفات یکدیگر را مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

مورثی و مورثی است که در وقت تولد و در وقت وفات یکدیگر را مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

استفاده کنند.

کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی صاحب مجلس است. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

در وقت تولد و در وقت وفات یکدیگر را مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

• در وقت تولد و در وقت وفات یکدیگر را مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

• در وقت تولد و در وقت وفات یکدیگر را مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

مجلس شورای اسلامی

• در وقت تولد و در وقت وفات یکدیگر را مورث میگویند. و در وقت تولد که مورث میگویند و در وقت وفات که مورث میگویند.

صفحه‌های تربیتی

بدران و مادران محترم ، معلمان عزیز

به منظور گردآوری مسایل تربیتی جامعه ایرانی و جمع بندی آنها جهت تدوین روشهای تربیتی متناسب با اوضاع اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی موجود ، به این فکر افتادیم که با کسایش صفحه مخصوص : " صفحه های تربیتی کودکان و جوانان " ، در هر شماره یکی از وقایع و واقعیت‌هایی را که در جریان تعلیم و تربیت ، موقعیتهای ویژه‌ای را ایجاد می کند ، برای خواستگاران گرامی ترسیم نمائیم .

صفحه‌هایی که در این صفحه از نظر شما خواهد گذشت ، رویدادهای واقعی هستند که ما آنها را از خاطرات اولیاء و مربیان محترم استخراج می کنیم . امیدواریم شما خواننده عزیز نیز در مقام یک مربی و یا صاحبظری که به یقین به کوششهای آموزشی و پرورشی و تربیت نسلهای آینده بی تفاوت نمی باشید ، در این تلاش جمعی با ما همکاری نمائید و خاطراتی را که در ارتباط با تعلیم و تربیت کودکان و جوانان دارید و یا صفحه های جالبی را که در این خصوص ناظر بوده اید بر ایمان بنویسید .

فراموش نمی کنیم هم‌ربطر و با اتفاق تربیتی که جزو این صفحه ها مطرح می شود تحریک ای است که پژوهشگران تربیتی را باری داده ، طرح آن در تربیت نسلهای آینده تاثیر خواهد گذاشت . در انتظار خاطرات و نظریات شما هستیم .

چگونه بعد از پیروزی انقلاب از طرف برخی از اشخاص کوتاه‌بین فردی نامحرم قلمداد می شود! بی خبران از پیغام انقلاب که خورشید را چراغ خانه خویش می‌انکارند، این معلم دل‌سوز را شهروندی ناتنسی محسوب می - دارند!

بهرتر است آنچه را که یکی از همکاران درباره این معلم خوب نوشته است ، باهم بخوانیم :

آنچه در این شماره از صفحه‌های تربیتی می خوانید مشکلی است که چند سال پیش بر اثر ناآگاهی و قضاوت ناروا به وجود آمد و قلب یکی از معلمان خوب کشور ما را آزرده .

در این نوشته می‌خوانیم که معلم بیداردل ، کسی که در سالهای خفقان درندارک انقلاب سهیم بود و به خاطر تربیت نسل مبارز رنجها را تحمل می‌کرد

درد
بزرگ



صورت یک عنصر پایدار درآید !
سپس درتاء بید گفته هسای
خویش از نمونه‌هایی یاد کرد که
افراد سودجو فرهنگ و منطق را
در خدمت توجیه منافع خود قرار
می دهند! و پس از ذکر ایمن
نمونه‌ها پرسید :

— راستی چه چیز باعث می شود
که انسان تا این درجه از بسنی
فرو رود و قادر به تشخیص زندگی
و آفرینش در خارج از منافع
شخصی نباشد؟ آیا می توان اینان
را به کودکانی تشبیه کرد که
خورشید و نور عالم افشان آن را
از آن خود می دانند؟!!

هنوز من پاسخی به ایمن
پرسشها نداده بودم که آهی کشید
و اضافه کرد :

این وظیفه ما معلمها است که
نسلها را طوری تربیت کنیم که
فرا تر از خود را نیز ببینند!

دکتر احمد بیانی



از این پرسش و مثال او یک
خوردم و باشوخی جواب دادم :
در یک چنین وضعیت مضحک
و در عین حال ناگوار ، به فکرمی -
افتادم که برادر پریشان فکر خود
را برای معالجه به پیش روانپزشک
راهنمایی کنم و مراقبت می کردم که
اغیار سود جو و دشمنان جان و
خانواده اش با سوسه های شیطانی
او را به دیوانگی نکشند .

پرسم .

در کلامی کوتاه پاسخ می دهد
که نسبت به این نادانی احساسی
جز ترحم ندارد !!

و پس از اندکی مکث ، اضافه
می کند :

— ترحم آمیخته با بغض!

باشنیدن این پاسخ ، بیشتر
به فکر فرو می روم ، افکار بلند او
مانند نسیمی ملایم احساسات مرا
نوازش می دهد و آرامش مطلوبی در
اندرون خود حس می کنم
در صدد برمی آیم که از او
دلجویی کنم :

— شناخت انسانها کار آسانی

نیست

ولی او حرف مرا قطع می کند :

— هرگز نمی خواهم درباره فرد

معینی سخن بگویم ، مشکل اساسی

آن است که در جامعه ما

نارسانیهای فرهنگی موجب شده

است که نادانی به عنوان یک

منطق پذیرفته شود و جهالت به

این شوخی من او را خوشحال
نکرد ، برعکس به نظر می رسیده
از این پاسخ رنجیده است ، انگار
در هیچ شرایطی حاضر نبود برادر
کوچکتر را مقصر بداند و یا این که
او را بد پریشان فکری متهم کند . از
این همه بزرگواری منقلب شدم
فکر کردم که از درک عمق
اندیشه‌هایش عاجز هستم . نسبت
به این معلم بزرگوار احترام باره‌م
بیشتری احساس کردم ، شناخت
بیشتر او درک مفهوم "معلم" را
برای من آسانتر می کند . اینک به
معلم و حرفه مقدس معلمی می -
اندیشم ، در ذهن خود "معلم" را
با "باغبان" مقایسه می کنم
خوشحالی باغبان از رویش گل و
گیاه را با خرسندی معلم که از
باروری نسلهای انسانی حاصل
می شود ، تطبیق می دهم . به
فکر می افتم که احساس خود او را
درباره یک چنین برادر نادان



علی علیه السلام

صِدِّيقُ كُلِّ نَسَانٍ عَقْلُهُ وَعَدُوهُ جَبَلُهُ

دوست هر کس خرداوست و دشمنش نادانی او

احادیث در روایات

خوشبختی و سعادت هر چند وابسته به عوامل متعددی است و همینطور شقاوت و بدبختی نیز با علل متعددی ارتباط پیدا می کند ولی با این همه سعی و کوشش انسان هائیکس اساسی را عهده دار است. و بفرمایش پروردگار **لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى**، تلاش و کوشش انسانهاست که راه سعادت را به روی آنها می گشاید و بالاخره این انسان است که با برداشتن موانع تکامل و تحصیل و کسب عوامل هدایت و ارشادخوبترن را به خوشبختی می رساند. یکی از عوامل مزاحم پیشرفت و تکامل انسان ها جهل و نادانی است. جهل و نادانی عامل سرافکنندگی و تیره روزی انسان ها است. جامعه خوب می کوشد عوامل نادانی را از سرراه افراد خود بردارد زیرا با تجزیه و تحلیل دقیق درمی یابیم که ریشه بسیاری از زشتی ها و ویرانگریهای فسرده و اجتماعی نوعاً "بد جهل و نادانی بر می گردد. اعترافات بسیاری از مجرمین همه حکایت از نادانی و جهالت آنان می نماید و همینطور آلودگی ها و اعتیادهای زیان بار اجتماعی همه

و همه از جهل و نادانی نشأت می گیرد، شاعر شیرین سخن چه نیکو بیان داشته است:

داروی تربیت از پیر طریقت بستان

کادمی را بتراز علت نادانی نیست

علی علیه السلام میفرماید: **الْجَهْلُ وَالْبُخْلُ**
أَدْلُ الْأَخْلَاقِ

نادانی و بخل از پست ترین روحیات انسانی بشمار می آید. تحقیقات دانشمندان این واقعیت را آشکار می سازد که هر کشوری از نظر فرهنگی عقب مانده تر باشد فساد و تباهی در آن کشور بیشتر وجود دارد و برعکس کشورهایی که دارای فرهنگ اصیل و استواری باشند عوامل فساد و تباهی در آنها کمتر بچشم می خورد. روی این اصل می توان چنین استنتاج کرد که غنای کشورها تنها با داشتن منابع حیاتی و معادن ارزشمند نمی باشد بلکه عالیترین ثروت و غنا برای هر کشوری غنای فرهنگی است. بعبارت دیگر کشوری ثروتمند و غنی است که افراد آن خود را از جهل و نادانی رهایی داده و پسر چشمه عقل و خرد راه یافته باشند. بزرگترین خدمتی که پدران و مادران درباره فرزندان خود می توانند انجام دهند اینست که با تعدیه فرهنگ

مقصد کسیت؟

خاطرتان هست

محسّر همان زندانی ۱۹ ساله‌ای که در خانواده‌ای مرفه بدنیا آمده، و با کمک دوستش مدیر چاپخانه ای را با تزریق سوزن هوا می‌کشد. این متهم به قتل عمد که نزدیکی خود را با چوبه دار حس می‌کند از زندگیش براینان گفت که زن بابا داشته و پدرش به تحریک زن بابا پس از زجر و شکنجه جسمی و روحی او را از خانه بیرون می‌کند. محسن با کمک دوستش به قصد انتقام از زن بابا به خانه پدر دستبرد می‌زند و این موضوع باعث میشود که برای همیشه از خانه پدر رانده شود. از مهاباد فرار کرده به تهران می‌آید و به قول خودش دوست ناباب باعث می‌شود که دونفری با طرح و نقشه قبلی و از روی کمال دقت و برنامه ریزی شده صاحب کار خود را می‌کشند

اینک تجزیه و تحلیل قضایا از دیدگاه هیئت تحریریه محله پیوند :

❁ مجید رشیدپور

انسان را بوجدمی آورند. بعنوان مثال کودک خوشبخت کسی است که تحت سرپرستی پدر و مادری دلسوز قرار گرفته باشد که هر دو نسبت بیکدیگر صمیمی و سازگار بوده درحد متعارف از اصول فرهنگی برخوردار باشند بهداشت و تربیت فرزند را در نظر گرفته لحظه‌ای از مراقبت های لازمه کوتاهی ننمایند. همانطور که بهداشت جسمی او را در نظر دارند سعی کنند از نظر اخلاق و رفتار نیز فردی متعادل و منعهد باشند. در داستان فوق عوامل متعددی دست بدست هم داده سرنوشت شومی را برای

گرچه هر فردی یک واحد بنظر می‌رسد ولی تجزیه و تحلیل این واقعیت را آشکار می‌سازد که انسان اساساً یک موجود مجموعه‌ای است، یعنی سازمان های متعددی در وجودش از نظر جسمی و روحی تلاش و کوشش دارند تا او بکارهای عادی و روزمره بپردازد. روی این اصل خوشبختی و بدبختی هر انسان هرگز نمی‌تواند معلول یک عامل جسمی و روحی بوده باشد بلکه عوامل متعددی دست بدست هم داده با اشتراک مساعی خوشبختی و یا بدبختی یک

در این کتاب که در این کتاب است
 و در این کتاب که در این کتاب است
 و در این کتاب که در این کتاب است
 و در این کتاب که در این کتاب است

توضیح و تفسیر

در این کتاب که در این کتاب است
 و در این کتاب که در این کتاب است
 و در این کتاب که در این کتاب است
 و در این کتاب که در این کتاب است



در این کتاب که در این کتاب است
 و در این کتاب که در این کتاب است
 و در این کتاب که در این کتاب است
 و در این کتاب که در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است
 و در این کتاب که در این کتاب است
 و در این کتاب که در این کتاب است
 و در این کتاب که در این کتاب است

نیست که به کس دیگری نسبت داده شود، و خود ضارب مستقیماً مقرر است.

دوم اینکه این جوان ۱۹ ساله که سرانجام دیپلم هم گرفته است با کسی دوست شده که او شخر نا سالمی بوده و در وقتی که شاگردی چاپخانه ای رامی کرده وی را به کشتن رئیس چاپخانه دعوت کرده است. مسأله تربیتی در این رابطه آنستکه جوانان نایبستی یا هر فردی دست دوستی بدهند و حشرو نشر نمایند. و اینکه گفته‌اند هر فردی را بایستی از روی دوستانش شناخت مسأله درستی است. وسراوار است که بدرومادها و معلمین مدارس در نحوه کزینش دوست بدنو آموزان دبستانی و دانش آموزان مدارس راهنمائی و دبیرستانی آموزشها و رهنمودهائی بدهند تا جوانان تحت ناء نیر دوستان ناباب و ناصالح دست به جنایت نبرند. و ناصالح را بشناسند و به دوستی انتخاب نکنند.

سوم اینکه پدر این فرد به وظائف پدری عمل نکرده است. پدر اگر فرد ملاحظه کاری می بود اولاً " زن اول را بخاطر نازائی طلاق نمی گفت. زیرا صرف طلاق کار زیان بخشی است و اکثراً " عواقب ناگواری دارد. و اگر ممکن می شد که در عالم پزشکی همانطور که گروه خونی میدهند، برای بعضی از عارضه‌های دیگر نظیر نازایی و عقیم بودن هم مجوزی بدهند و قبلاً " وضع نامردها را به اطلاع زوجین برسانند، این مشکل تا حدودی پیش نییآمد.

پدر این جوان نوزده ساله بعد از طلاق زن دوم و آشتی کردن با زن مطلقه اول می‌بایست دقیقاً " به تربیت فرزندش رسیدگی می‌کرد و از او نوازش می‌نمود و از محبت خودش بهره‌مند می‌کرد، لذا هر قدر قصور کرده کناهکار است.

ادعائی است برای شریف نشان دادن خود زیرا انسانها از حدود سنین ۶ و ۷ به مرحله نمیر حس و قبح می‌رسند و می‌توانند خود دار و کنترل کننده خود باشند. او مقرر است و از روی عمد و آگاهی بدین کار تر داده و طبیعی است که عقوبت آن را تحمل کند.

✱ محمدحسن آموزگار

مسأله قتل جرمی است جنائی و تمیز و تشخیص مجرم کاری است که در صلاحیت قضات و محاکم است و نویسنده مقاله ایسز تخصص را ندارد. اما باتوجه به اینکه این جوان مطابق با آنچه که از دوران کودکی خودش شرح داده بارگشت ماجرایش به محیط خانواده است. ممکن است تربیت خانوادگی را که بیشترین اهمیت را در اصلاح اخلاق کودک دارد طرح کرد. البته در بررسی این پدیده قاعدتاً " بایستی دنبال مقصر، و نوع تقصیر و حدود تقصیر بگردیم، سپس طبق وظیفه‌ای که برعهده هر مربی است نتیجه‌ای بگیریم و برای پیشگیری از وقوع چنین حوادثی، توصیه‌هایی به اولیاء و مربیان بکنیم، تا منظور نظر قرار دهند و از فرو افتادن به چنین گردابه‌های مخوف و مهلکسی مصون بمانند. اینک بررسی ماجرا را ابتدا از شخص اول که شرح حالش فوقاً " رفته است شروع می‌کنیم.

۱ - قاعدتاً " وعقلاً " هراسانی که دارای عقل و فهم و توان انجام کار است، باتوجه به اراده و اختیاری که داشته و بکار برده است مسئول اعمال خویش است و ایس جسموان نوزده ساله عجالتا " دارای عقل و عزم و اراده بوده و مشتی بر سر صاحب چاپخانه وارد آورده و او را بیهوش کرده است و این عمل تقصیری

سواد آموزی داریم و در میان اقشار مختلف مردم ، موسسات خیریه ، درمانگاه ، بیمارستان کتابخانه و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی داریم . و اختصاصاً " در برنامه مدارس دروس دینی و در میان معلمان مربیان تربیتی داریم اما تا آنجا که نویسنده این سطور اطلاع دارد هیچکدام مستقیماً " در رابطه با نامردی و گزینش همسر و شوهرداری وزن داری تعلیمات نظامداری نمی دهند و جای چنین تعلیماتی خالی است . در حالیکه ضرورت دارد و بسیار سودمند است . برگردیم به اصل قضیه قتل و نوجوانان قاتل و در مورد آخرین نفر که محرک و قاتل اصلی بوده‌است و بنا به گزارش مقاله ، آمبول هوا تزریق کرده‌است ، نیز اظهار نظری نکنیم .

این جوان اخیر در صورتیکه بهمین شکل اقدام کرده و تزریق هوا صورت گرفته و ورود هوا به خون باعث مرگ صاحب چاپخانه شده باشد بدیهی است عامل اصلی جنایت است . بخصوص که او در چاپخانه شاکردی می‌کرده و مدیر چاپخانه را می شناخته و از جوان دیپلمه بسه همکاری دعوت کرده است . اینک این جوان هر نوع شرائط تربیتی که داشته است بجای خود عمالنا " خودش به قصد ربودن پولهای مدیر چاپخانه اقدام به قتل کرده‌است . بنابراین هم دزد است و هم قاتل ، حداقل اینکه شریک بزرگ قتل و درداست .

فرد ، و تسربیت اجتماعی در میان جمعی حتی دانشجویان و درسخوانده‌ها معمول است همینکه کسانی مرتکب جرمی می شوند بلادرنگ می گویند این فرد احتیاج داشته ، جامعه خراب بوده ، وی - گویند اول بایستی جامعه را اصلاح کرد ، اول بایستی دید چرا این شخص چنین و چنان کرده

و عادات یکدیگر با خبر می شدند ، و دو فامیل طرفین ازدواج از سطح فرهنگ و نظام ارزشی و نوع عقیده و افکار حاکم بر فامیل مطلع می گردیدند ، مشکلات بعد از ازدواج کمتری شد و قرار نبود دونفر در طی چندین سال و یا تمام عمر در یک زندگی پرمارت و تلخ بسر ببرند . بجاهست که در مساجد یا در رابطه با آنها زنان و مردان با تجربه ای باشند و برای ارشاد و هدایت نوجوان ، دختر و پسر به آنان اطلاعاتی بدهند تا قبل از ازدواج آگاهی بدست آورند و وظائف و تکالیف خود را بدانند .

پیشنهاد

مدارس نیز در جای خود خویست همینکه نوجوانان فهم و درک کافی پیدا می کنند آنان را به رعایت عفت و حفظ پاکدامنی دعوت نمایند ، ضمناً " خصوصیت زن داری و شوهرداری را برای هر کدام تشریح نمایند .

البته از صاحبان دفتر خانه ها که امر ازدواج و طلاق را ثبت می کنند و درازاء خدمات خود مبلغی دریافت می کنند انتظاری نیست که به دختر و پسر قبل از ازدواج اطلاعات رانشوئی بدهند ، زیرا چنین کاری متداول نیست و آنان هم وقت گذاری نمی کنند .

اگر هیئت‌های عزاداری و بنیاد مجالس دعا به این فکر می افتادند که گاهی با اطلاع قبلی پاره‌ای از جلسات خود را ساعتی به ارشاد نوجوانان در رابطه با شوهرداری و زن داری صرف کنند ، اقدام شمر بخشی می بود . البته لازم است گوینده آگاه و خوش بیانی داشته باشند که صاحب نفوذ کلام باشد .

مالیک در سازمانهای دولتی مدرسه و نهضت

تبرکات و برکتها در راه توبه و بازگشت

توبه و بازگشت به سوی خداوند عزوجل
یکی از بزرگترین برکتهاست
و توبه کننده را از گناه پاک میکند
و او را در راه توبه و بازگشت
بسیار برکت میدهد.



توبه و بازگشت به سوی خداوند عزوجل
یکی از بزرگترین برکتهاست
و توبه کننده را از گناه پاک میکند
و او را در راه توبه و بازگشت
بسیار برکت میدهد.
توبه و بازگشت به سوی خداوند عزوجل
یکی از بزرگترین برکتهاست
و توبه کننده را از گناه پاک میکند
و او را در راه توبه و بازگشت
بسیار برکت میدهد.
توبه و بازگشت به سوی خداوند عزوجل
یکی از بزرگترین برکتهاست
و توبه کننده را از گناه پاک میکند
و او را در راه توبه و بازگشت
بسیار برکت میدهد.

باشد، نفوذ او روی کادر آموزشی مدرسه‌اش و روش دانش‌آموزانش بیشتر می‌شود.

مدیر دراصل بعنوان نماینده دولت و نماینده ملت و امین خانواده‌ها در مدرسه کار می‌کند، و مقام اجتماعی و موقعیت معنوی او در حدی نیست که فرار باشد فقط با حقوق و ترفیعات و بظواهر اینها سنجیده شود!

مدیر بایستی طوری رفتار کند که اولیاء بتوانند حتی مسائل خانوادگی خود را برای او طرح کنند و از او راهنمایی بخواهند. زیرا هر گونه دشواری که در خانواده‌ها باشد، اثر حتمی روی فرزندان که در مدرسه دارند می‌گذارد. اختلافات خانوادگی، مشاجرات پدر و مادر ناسازگاری آنان با یکدیگر، همه روی روحیه کودک یا نوجوانی که در آن خانه است تأثیر می‌گذارد.

شاگردان مدرسه بایستی بسراحتی بتوانند مشکلات خود را که ناشی از سوء رفتار دوستان همکلاس یا دوستان هم مدرسه شان است، به مدیر بگویند.

بعضی شاگردان کلاسهای بالا، مزاحم شاگردان دیگر می‌شوند، اگر مدیر درب دفترش بروی اینگونه شاگردان گشوده نباشد، ممکن است هفتها و ماهها شاگردی از دست دیگران در رنج و عذاب باشد، و از درس و تحصیل عقب بماند، و زیانهای غیر قابل جبران ببیند.

معلمان تازه کار معمولاً به راهنمایی مدیر در امر آموزش نیاز دارند. احتمال دارد که معلم فقط به اجرای موازین برنامه و تمام کردن کتاب درسی توجه داشته باشد و تصور نکند هر چه زودتر کتاب را تمام کند کار خود را خوبتر بانجام رسانده است! قطعاً این حالت شتابزده روی شاگردان اثر مطلوبی ندارد، اکثراً "از فهم

بدون اینکه مقایسه‌ای میان ذات اقدس پروردگار که نظیری برای او نیست، با مدیر مدرسه کرده باشیم، از لحاظ اهمیت موقع و مقام می‌گوئیم که:

تمام کارهای مدرسه با مدیر شروع می‌شود و تمام حسن و نقص کارها به او برمی‌گردد.

اگر مدرسه خوب اداره می‌شود می‌گویند مدیرش خوب است، و اگر مدیر خوب باشد واقعاً "مدرسه بخوبی اداره می‌شود. دیلاً" تدابیری را که مدیر مدرسه بکار می‌برد، یا می‌تواند بکار گیرد، شرح می‌دهیم.

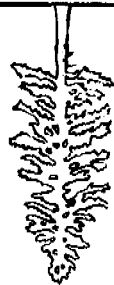
الف - حسن اجرای برنامه‌های آموزشی مستقیماً در رابطه با مدیر است.

ب - در چگونگی تدریس یک یک درسها مطابق با کتابهای درسی مؤثر است.

ج - در نظم مدرسه از لحاظ رعایت وقت و حضور و غیاب معلمان و شاگردان اثر حتمی دارد.

د - در ایجاد نگرش مساعد در معلمان و دانش‌آموزان، نسبت به قانون و استقلال مملکت اثر بارزی داراست. چنانچه مدیر مرتب در دفتر کار خود و در محیط مدرسه حاضر باشد و معلمان و شاگردان جای او را خالی نبینند با انضباط عمل می‌کنند. عموماً "موقعی که مدیران در اداره، کارخانه و یا آموزشگاه نباشند، مانند وقتی که هوا را غبار گرفته باشد، همه چیز به روشنی دیده نمی‌شود، و همه کارها کنداست. وقتی که مدیر مدرسه در مراسم صبحگاه شرکت دارد، از همان اول روحیه‌ای در امر آموزش دمیده می‌شود.

اگر مدیر ساعتی (سه چهار ساعت در هفته) در کلاسهای درس مدرسه خودش تدریس داشته



کتابخانه ملی ایران
کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران
کتابخانه ملی ایران

محمد حسن موزی

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران
کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران
کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران
کتابخانه ملی ایران

